

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

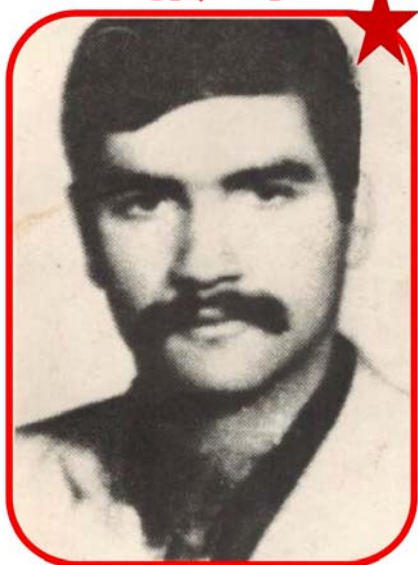
جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۲۲ می ۲۰۲۳

در باره زندگی رفیق شهید

فرهاد سپهری



چریک فدائی خلق رفیق فرهاد سپهری اولین چریک فدائی خلق می‌باشد که در همبستگی با انقلاب خلق‌ها علیه امپریالیسم در منطقه در جبهه‌های نبرد خلق ظفار در مبارزه با امپریالیسم و مزدورانش به شهادت رسید.

رفیق فرهاد در شرایطی در همبستگی با خلق ظفار در این منطقه با نام مستعار “سام” می‌جنگید که رژیم شاه به عنوان ژاندارم امپریالیسم امریکا در منطقه با گسیل ارتش ضد خلقی خود در حمایت از سلطان قابوس، علیه خلق ظفار و برای سرکوب مبارزات این خلق مبارز، می‌جنگید.

در نشریه “نبرد خلق” شماره چهار (مرداد ۱۳۵۳) خبر شهادت رفیق فرهاد در یکی از جبهه‌های نبرد خلق ظفار علیه ارتجاع منطقه درج گشته است. در آن زمان، سازمان چریک‌های فدائی خلق حضور رفیق فرهاد در جنبش آزادی‌بخش ظفار را در

راستای اهداف انترناسیونالیستی خود اعلام کرده و تأکید نمود که: “پیمان بسته‌ایم که در هر کجای کره خاکی که باشیم علیه دشمنان خلق‌ها به مبارزه برخیزیم و لحظه‌ای از پای ننشینیم.”

رفیق فرهاد در خانواده‌ای با افکار سیاسی متولد و رشد یافت. او از همان نوجوانی با توجه به این‌که وضع مالی خانواده خوب نبود همچون اکثر برادرانش ضمن تحصیل، برای کمک به خرج خانواده در حوزه‌های کارگری به کار می‌پرداخت. اشتغال به کار، ظلم و ستم سرمایه‌داران را هر چه عینی‌تر در مقابل چشمان وی به نمایش می‌گذاشت و با توجه به مطالعات مارکسیستی‌اش هر چه بیشتر به عمق تعالیم مارکسیستی پی برده و صحت آن تعالیم برایش مسجل می‌شد.

با شروع مبارزه مسلحانه چریک‌های فدائی خلق در سال ۴۹ و به صدا درآمدن زنگ بزرگ خون در سال ۵۰ فضای سیاسی جامعه به تدریج دگرگون شد و فضای کاملاً پر جنب و جوش مبارزاتی بر جامعه حاکم گشت. این مبارزه بن‌بست حاکم بر مبارزات توده‌ها و روشن‌فکران انقلابی را در هم شکست و “راه” رهائی را در مقابل دید همگان قرار داد. دیگر برای خیلی از روشن‌فکران تردیدی باقی نماند که در شرایط ایران به قول رفیق مسعود احمدزاده “پیشرو

واقعی، پیشروئی که پیوند عمیق با توده‌ها دارد و قادر به برانگیختن و هدایت وسیع توده باشد تنها در طی عمل مسلحانه، در جریان کار سیاسی-نظامی می‌تواند به وجود آید؛ رفیق مسعود تئوریسین چریک‌های فدائی خلق همچنین تاکید کرد که “پیشاهنگ در شرایط کنونی نمی‌تواند پیشاهنگ باشد مگر آن‌که چریک فدائی باشد.”

برادران سپهری، رفقا سیروس، فرخ، ایرج و فرهاد سپهری از جمله اولین انقلابیونی بودند که در همان سال ۵۰ به این ندا پاسخ مثبت داده و در جهت پیوستن به چریک‌های فدائی خلق گام برداشتند.

در این‌جا با گرامی‌داشت یاد رفیق فرهاد باید از برادران انقلابی او نیز که زندگی فرهاد جدا از آنها نبود، یاد شود. رفیق فرهاد چهارمین شهید از خانواده سپهری‌ها در دوران مبارزه با رژیم وابسته به امپریالیسم شاه می‌باشد که همگی در صفوف چریک‌های فدائی خلق در راه پیشبرد مبارزه مسلحانه علیه نظم ظالمانه سرمایه‌دارانه حاکم، خون خود را وثیقه پیشبرد امر انقلاب برای آزادی و سوسیالیسم نمودند.

اولین شهید این خانواده رفیق سیروس بود که در شهریور- سنبله- ۵۰ در جریان محاصره یکی از پایگاه‌های چریک‌های فدائی خلق مجروح گردید و با این حال قهرمانانه به نبرد با دشمن پرداخت تا در پناه آتش سلاح وی رفقاء فرخ سپهری و شاهرخ هدایتی امکان گریز از صحنه مرگ را پیدا کنند که چنین نیز شد. به دنبال این فداکاری، رفیق سیروس بیهوش و زنده به چنگال ساواک افتاد و با توجه به مقاومت قابل تحسین وی در ندادن اطلاعات به ساواک، این نهاد ددمنش رژیم شاه- شکنجه‌گران وی را در زیر شکنجه کشتند.

دومین شهید از برادران سپهری رفیق فرخ سپهری بود که در مرداد- اسد- ۵۱ هنگامی که دژخیمان رژیم قصد دستگیری وی را داشتند در خیابان فرح آباد تهران دلاورانه به درگیری مسلحانه با آنان پرداخت. در این درگیری رفیق فرخ، خود را به صف دشمن زد و پس از، از پای انداختن چند عنصر دشمن با رگبار مسلسل‌های اسرائیلی از پای درآمد.

سومین شهید از برادران فراموش نشدنی سپهری رفیق کارگر ایرج سپهری بود که مدتها در جنبش خلق فلسطین شرکت نموده و علیه نیروهای صهیونیستی اسرائیل جنگیده بود. وی تحت نام “ابوسعید ایرانی” در “جبهه خلق برای آزادی فلسطین فرماندهی کل” به رهبری احمد جبرئیل فعالیت کرده و در این سازمان به دلیل شجاعت‌هایش در نبرد با اسرائیل به درجه سروانی رسیده بود. رفیق ایرج برخی از تجربیات خود از شرکت در انقلاب خلق فلسطین را در کتاب “از جبهه نبرد فلسطین” نوشته است و در پایان آن کتاب وقتی جریان بازگشت خود از فلسطین و پیوستنش به سازمان چریک‌های فدائی خلق را توضیح می‌دهد، می‌نویسد “در تهران خیلی زود توانستم از طریق برادرم فرهاد که در آن موقع عضو علنی چریک‌های فدائی خلق بود با این سازمان رابطه بگیرم.”

در ضمن این گفته نشان می‌دهد که رفیق فرهاد از همان زمان در ارتباط با سازمان بوده و در همین راستا هم به ظفار فرستاده شده است.

رفیق ایرج سپهری در شهریور- سنبله- ۵۲ در شرایطی که همراه با رفیق دیگری از مأموریتی در منطقه باز می‌گشت در یک درگیری دو ساعته در شهر آبادان، در حالی‌که چندین تن از مزدوران دشمن را از پای انداخته بود، به دلیل گرم‌زدگی شدید امکان ادامه نبرد را نیافت. او در حالی که مأموران قصد دستگیری وی را داشتند و مردمانی غیر مطلع از آن‌چه می‌گذشت در محیط شاهد صحنه بودند با عشق و تعهد نسبت به توده‌های زحمتکش ایران برای این که آسیبی به مردم نرسد نارنجک خود را در جلوی صورتش منفجر نمود و به این طریق خودش را تقدیم مبارزه برای رهایی مردم تحت ستم ایران نمود. (رفیق دیگری که همراه رفیق ایرج بود رفیق محمد حرمتی‌پور که در جریان این نبرد قهرمانانه امکان یافت به سلامت از صحنه درگیری بگریزد).

نگاهی به فعالیت‌های برادران سپهری بروشنی محیطی را که رفیق فرهاد در آن رشد یافت و اندیشه‌های مارکسیستی‌اش در آن شکل گرفت، نشان داده و آشکار می‌کند که چگونه خود زندگی از وی انقلابی جان‌برکفی ساخت که برای رهایی کارگران از ظلم و ستم سرمایه‌داران با همه وجود می‌جنگید و بر این باور بود که “انترناسیونال است نجات انسان‌ها.”

یاد رفیق فرهاد سپهری گرامی و راهش پر رهرو باد!

به نقل از ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریک‌های فدائی خلق ایران

شماره ۱۱۱، پانزدهم فروردین‌ماه- حمل- ۱۴۰۲